



فقه نظام ساز

پدیدآورنده (ها) : طالبی طادی، بهنام

میان رشته ای :: نشریه تأملات رشد :: پاییز و زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۲

صفحات : از ۹۷ تا ۱۰۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1486561>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- فقه نظام ساز - بحثی در باب ظرفیت های فقه سیاسی برای نظام سازی
- توجه توأمان به مقاصد و اهداف شریعت برای باز تولید فقه نظام‌مند
- بازپژوهی امکان و حجیت نظام سازی در فقه با تأکید بر نگره شهید صدر
- نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی
- تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی
- حجیت در اجتهاد نظام‌ساز؛ با تأکید بر آراء آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر
- ظرفیت های فقه سیاسی برای نظام سازی
- فقه النظام - در باب آن چه فقه حکومتی می نامندش!
- بازکاوی جایگاه منطقه الفراغ در نظام سازی فقهی با تأکید بر آراء شهید صدر
- بازنمایی زنان در تبلیغات تلویزیونی پودر لباسشویی پرسیل
- دغدغه نظام سازی دینی « شهید صدر و فقه اهداف»
- مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه

عناوین مشابه

- بررسی کارکرد مقارنه فقهی در اعتلای نظام حقوقی اسلام / در منقبت فقه نظام ساز
- کاربردی نبودن فقه نظام ساز، بدون تحول در ساختار اصول فقه
- فقه نظام ساز - بحثی در باب ظرفیت های فقه سیاسی برای نظام سازی
- بررسی دو دیدگاه در تاسیس فقه نظام
- جایگاه فقه و معارف اسلامی در فرهنگ سازمان های اطلاعاتی و امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران
- نگاهی انتقادی به ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران
- رابطه فقه و حقوق در الگوی کلان نظام اسلامی از منظر فقه نظام
- مفهوم‌شناسی فقه نظام و نسبت‌سنجی آن با نظام‌سازی در دیدگاه آیه الله محسن اراکی
- بررسی اصل منع تبعیض در نظام دادرسی کیفری ایران، فقه امامیه و اسناد و کنوانسیون های بین المللی
- چیستی و چگونگی «فقه نظام»

دکتر بهنام طالبی طادی

پژوهشگر حلقه فقاہت نظام‌ساز مرکز رشد

دانش‌آموخته دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه عدالت

۱. هدف از نظام‌سازی

بر اساس دیدگاه شهید صدر نیاز بشریت به نظام را می‌توان از اولی‌ترین غرایز فطری انسانی یعنی حس خودخواهی دانست. از همین غریزه است که وی با تمام هستی اعم از جمادات گیاهان و دیگرانسان‌ها ارتباط می‌گیرد. در ارتباط با غیرانسان رابطه‌ای یک‌سویه را شاهد بود و در ارتباط با دیگرانسان‌ها با عملکردهای متشابه و متقابل روبه‌رو می‌شد؛ یعنی هر انسانی درصدد بهره‌گیری از دیگری در راستای منافع خود است. بر اساس همین حس دوسویه جوامع انسانی شکل گرفت. لذا شکل‌گیری زندگی اجتماعی بر اثر گرایش فطری انسان بوده است. تجربه حیات اجتماعی و بهره‌گیری پیشرفته‌تر از طبیعت نوع انسان را بر آن داشت تا حد یقینی برای منفعت طلبی و حس خودخواهی قائل نباشد و اقدام به سیطره بر همه هستی در راستای منافع خویش نماید. حال با چنین تراحمی که هر انسانی در پی تسلط و بهره‌کشی از دیگران و محیط پیرامونی در راستای منافع خود بود، طراحی و تکون «نظام»‌های مختلف برای کنترل، اداره و ارتقای زندگی اجتماعی ضرورت یافت. [۱]

از آنجا که موجب اختلاف و تراحمات انسانی همین غرایز فطری و حوایج طبیعی انسانی بوده است، نمی‌توان امر نظام‌نامه و تکون ساخت بنیادهای یک اجتماع را به انسان عودت داد. بلکه این نظام باید مبتنی بر دریافت‌های فرانسائی باشد تا بتواند انگیزه‌های شخصی را به‌گونه‌ای تغییر دهد تا با اقتضائات جامعه انسانی

فقه نظام‌ساز



به باور شهید صدر، ساخت نظامات اجتماعی کارآمد تنها از مسیر فقه اسلامی ممکن است



همسو گردد. لذا طبق دیدگاه شهید صدر پیرامون نظام سازی، «دین تنها ساختاری است که جامعه می تواند در درون آن راه حلی برای مشکل اجتماع بیابد و هیچ نظام اجتماعی از پس معضل تضاد بین انگیزه های شخصی و منافع اجتماعی بر نمی آید، مگر این که ساختار آن نظام یک ساختار دینی باشد». [۲]

شهید صدر معتقد است اساس و شرط مهم نهضت و قیام هرامتی به داشتن یک مبنا و مکتب منسجم است؛ آنچه در این نوشتار ما از آن به «نظام» یاد کرده ایم. چنین مکتب و نظامی در عرصه های مختلف می تواند اهداف و غایات میان مدت و بلندمدت امت را مشخص کرده و او را در ادامه حیات خود یاری رساند. اگر یک امت دارای مکتب و نظام فکری منسجم بود و توانست آن را فهم و سپس بدان ایمان بیاورد می تواند نهضتی حقیقی را درون خود تحقق بخشد. شهید صدر معتقد است اگر تاکنون امر نظام سازی مبتنی بر نهضت جهانی اسلام صورت پذیرفته است تنها به دلیل محقق نشدن یکی از شروط مذکور فوق است و آن هم عدم ایمان کافی امت به تمام جوانب و ابعاد این برنامه جامع مکتبی است. دلیل فقدان چنین ایمانی نیز دسیسه هایی است که از طرف استعمارگران جهانی در جهت ایجاد فاصله بین امت و مبانی دین مبین اسلام است. در عین حال ایمان مردم به اصل اسلام و جوهره متعالی دین ثابت و استوار ماند. در این حالت بود که ایمان مردم به اسلام محفوظ ماند اما فهم آنان از اسلام و مفاهیم و حقایق مربوط به آن، در حاله ای از ضعف و کاستی قرار گرفت. به تعبیر شهید صدر این نقطه آغاز یک «تضاد عجیب در هویت امت اسلامی» شد به نحوی که امت علی رغم پایداری ایمان او به اسلام، فهم صحیح و کاملی از آن نداشته باشد. [۳]

این حقیقتی مهم است که امروزه نیز به انحاء مختلف می توان ثمرات این تضاد هویتی را در اجتماع مسلمین شاهد بود. از آنجا که فلسفه و مناظر اجتماعی و مکتبی

بسیاری از احکام اسلامی مشخص نشده است، مردم به جوهره دین و هویت مذهبی پایبند بوده لیکن التزام به احکام فرعی نداشته و آن ها را سبک می شمارند. مسائلی مانند حجاب، حق الناس، صداقت و... از جمله مصادیق واضحی است که امروزه با وجود اقرار مسلم ناقضین این هنجارها به اصل دیانت و اسلام، بازهم شاهد ترک و هتک چنین احکام فرعی هستیم. لذا باید به نظام سازی اسلامی پرداخت زیرا:

یک. نیاز به قانون گذاری مبتنی بر مبانی اعتقادی است. یکی از مهم ترین عوامل کارآمدی و تحقق غایات قوانین، پشتوانه اعتقادی آن ها و زمینه فکری است که می تواند در بین اجتماع هدف داشته باشد. با چنین پشتوانه عاطفی و روحی می توان تنظیم ساختارهای اجتماع را مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی پی ریزی نمود. دو. تلفیق جنبه های معنوی و مادی حیات انسانی. ابتدای نظام سازی بر اسلام است که می تواند خلأ معنویت در زندگی اجتماعی را جبران کند. چرا که منشأ معنویت که یک نیاز پذیرفته شده انسانی است نمی تواند زادگاه انسانی داشته باشد بلکه باید فرآیندی و از طرف ذات خالق انسان نازل شده باشد.

سه. جایگزینی الگوی اسلامی به جای الگوی الحادی. با توجه به هژمونی فکری و اندیشه ای نظام های سلطه همچون نظام سرمایه داری، استخراج درون مایه های نظام سازی اسلامی از دل منابع دینی می تواند خیزش مناسبی در راستای هویت بخشی به اندیشه اسلامی در مقابل نظام های کفر و ارائه الگوهای موفق در نظام سازی باشد. [۴]

با این توضیحات مشخص می شود که کارآمدی در امر نظام سازی بدون توجه به متعلق و خاستگاه آن چنین اقتضایی دارد که با واقعیت انسان به عنوان یک «انسان» مرتبط باشد و وجود او را تفسیر کند و ویژگی های حقیقی او و رابطه اش با اشیاء را به او بشناساند. چنین غایتی، فوق نظر به پیش زمینه فکری و خاستگاه اندیشه ای



کارآمدی در امر نظام‌سازی بدون توجه

به متعلق و خاستگاه آن چنین اقتضایی دارد که با واقعیت انسان به عنوان یک «انسان» مرتبط باشد و وجود او را تفسیر کند و ویژگی‌های حقیقی او و رابطه‌اش با اشیاء را به او بشناساند.

کلان ساحت هستی‌شناسی و دین‌شناسی اخبار جامعی را پیرامون اجزاء جهان آفرین، روابط بین اجزاء و حرکت آن‌ها به انسان ارائه می‌دهد.

اجزاء جهان آفرینش عبارت‌اند

از عالم شهادت و غیب که خود دارای اجزائی همچون بهشت و آتش و دنیا و... همچنین روابط بین اجزاء همچون رابطه انسان و فرشتگان اتفاق سجده آن‌ها بر انسان را ذکر می‌کند که بیان‌گر این حقیقت است که انسان در حیات خود نمی‌تواند بدون تدبیر ملائکه الهی ابعاد کاملی از زندگی خود را تجربه کند. علاوه بر این دو قسم، اندیشه اسلامی اطلاعات جامعی نسبت به فرجام نهایی حرکت انسان و عالم مرتبط با او می‌دهد. لذا دو محور اصلی در نظام‌سازی فقهی را باید واقع‌بینی و هم‌چنین فراگیری و جامعیت دانست؛ زیرا هیچ چیز در اندیشه اسلامی وجود ندارد که با واقعیت در ارتباط نباشد. از طرف دیگر این واقعیت که شامل شهود و غیب می‌شود با تمام گستردگی و ابعاد وسیع خود در سیطره این اندیشه قرار دارد. به همین جهت این نظام تفکری از هر نظام دیگری شایسته‌تر در جهت به حرکت درآوردن انسان و ساختن حیات اجتماعی وی است. [۵]

چنین خاستگاهی برای رسیدن به امر نظام‌سازی مبتنی بر دین، از این جهت است که تمامی علوم و معارف دینی ابزاری است برای رشد و پیشرفت جامعه اسلامی. لذا صرف دانستن این مباحث هیچ تغییر در اوضاع واقعی مسلمانان ایجاد نمی‌کند. شهید صدر در این باره معتقد است کشف یک فتوا یا جدید در مقابل باقی فتاوا لزوماً به معنای ایجاد پیشرفت واقعی برای کشور نیست؛ زیرا «هر دو فتوا عذراً و راست و اگر مسلمانی به هریک از آن‌ها عمل کند، روز قیامت پاداش عملش را می‌بیند. هر دو این فتاوا از جهت منجزیت و معذرت

در امر نظام‌سازی است؛ زیرا هدف ساختن نظام‌واره‌ها در ابعاد مختلف حیات انسان، ایصال به این نقطه مطلوب است که کامل‌ترین صورت و قالبی که انسان

می‌تواند در یابد را به وی بشناساند و برای تحقق این امر راهی جز احاطه کامل این نظام بر تمام واقعیات مرتبط با انسان نیست. به همین جهت است که مکاتب انسانی متولی امر نظام‌سازی با وجود نقایص ذاتی تفکر بشری و نگرش‌های کوتاهی که نسبت به واقعیت‌های انسانی داشتند، در هر دوره‌ای نسبت به هم می‌توانند کامل‌تر و کارآمدتر ظاهر شوند. این تنها دلیل و وجه تفوق یک تمدن در مقطع زمانی خاص است. لذا از آنجا که تنها معیار علمی و عینی برای سنجش یک نظام اندیشه‌ای در درانداختن کلان نظام‌واره‌های اجتماعی و انسانی، معیار «مطابقت با واقعیت و رفع نیازهای انسانی» است، همواره اندیشه‌ای که شمول بیشتری نسبت به حقایق و مصادیق واقعی تحت موضوع خود داشته باشد می‌تواند نسبت به اندیشه دیگر تفوق و برتری جوید؛ زیرا رابطه انسان با واقعیات همواره رابطه کشف و احاطه بر آن است بنابراین وقتی اندیشه‌ای جدید برای وی مطرح می‌شود، آن اندیشه را در ضمن اندیشه قبلی و به مثابه وجه تکاملی آن قلمداد می‌نماید.

بر این اساس اگر در امر نظام‌سازی به حوزه دین تمسک جسته شد، باید انتظارات فوق نیز محقق گردد؛ یعنی اخبار و اطلاعات گسترده نسبت به واقعیات و همچنین تعیین موضع عملی انسان نسبت به گستره وسیع این واقعیت‌ها. در امر نظام‌سازی فقهی، اعتقاد بر این است که خداوند متعال از طریق وحی، تمامی آن اخبار و اطلاعات جامع از واقعیاتی که انسان برای حیات خود بدان نیاز دارد ابلاغ نموده است. دین مبین اسلام در دو

و ضمانت ورود عمل‌کننده آن به بهشت، یکسان‌اند و هیچ فرقی باهم ندارند.» [۶] همچنین در جای دیگر چنین بیان داشته است که:

«این ماییم که در برابر خدای

متعال نسبت به هر انسانی که از دین منحرف شود پاسخ‌گو هستیم، ما نسبت به هر انسانی در دورترین نقطه جهان اسلام که علی‌رغم وجود امکانات، منحرف است، مسئول هستیم چه برسد به آن کسانی که در وطن ما، در کشور ما و در میان مردم ما زندگی می‌کنند.» [۷] البته نباید گمان کرد که انسان دین‌پژوه باید تا یک مقطع خاص به این علوم ابزاری بپردازد و از یک مقطع دیگر با بی‌نیازی از این ابزارها، صرفاً وارد فاز اجرا و عمل شود. شهید صدر با باطل شمردن این ایده که با استعاره از عملکرد مسلمانان در مکه به عنوان مقطع زمانی اندوختن و ذخیره‌سازی و همچنین در مدینه به عنوان مقطع زمانی عمل و اجرای حکومت اسلامی، تصریح دارد که:

«بارها دیده‌ام و می‌بینم بسیاری از کسانی که درباره دین اسلام می‌نویسند یا در این باره سخن می‌گویند، آشکارا بین دوران مکی و مدنی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی که با او ایمان آوردند، فرق می‌گذارند و دوران مکه را دوران خودسازی و صبر و شکیبایی و دوران مدینه را دوران اجرا و برپایی حکومت، می‌شمارند... گاهی این‌طور به ذهن می‌رسد که خودسازی در تاریخ اجتماع {اسلامی} یک دوران محدودی دارد و پس از آن، دوره اجرا فرامی‌رسد که در آن خیلی به خودسازی توجه نمی‌شود؛ اما شواهد زندگی در مکه و مدینه روشی را که باید در پیش بگیریم برای ما آشکار می‌سازد و حکم می‌کند که ما پیش از هر چیزی به استحکام و تقویت ایمان در دل‌های خودمان توجه کنیم... گاهی انسان خیال می‌کند که پس از آنکه مقداری از دین را به دست

ما نسبت به هر انسانی در دورترین نقطه جهان اسلام که علی‌رغم وجود امکانات، منحرف است، مسئول هستیم چه برسد به آن کسانی که در وطن ما، در کشور ما و در میان مردم ما زندگی می‌کنند.

آورد دیگر به مرتبه‌ای رسیده است که می‌تواند بی‌حرکت بماند و نیازی نیست برای بهبود و اصلاح عبادت و افزودن بر دریافت‌هایش از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و مناجات با پروردگار

در دل تاریکی شب و توبه و استغفار، تلاش و مجاهده کند و دین برای او مدیریتی تبدیل می‌شود که آن نشاط پیش برنده در آن نیست؛ نشاطی که فقط از سرچشمه سجود در جان جوشیدن می‌گیرد.» [۸]

لذا در مورد هدف از نظام‌سازی باید گفت شهید صدر دو غایت را برای پرداختن به چنین سنخ مطالبی مطرح می‌نماید:

ابتدا توجه به ضرورت دینی این چنین مباحث؛ زیرا که موجب اجرای فرمان خدا بر روی زمین می‌گردد. دوم از جهت دستاوردهای عظیم فرهنگی و توانایی سترگ آن‌که فراتر از یک ضرورت دینی، یک ضرورت تمدنی است. [۹] بر همین اساس شهید صدر با تحلیل جایگاه «هدف» در حرکت‌ها و تلاش‌های انسانی بیان می‌دارد که نیرو و انگیزه هر حرکتی از «هدف» و غایتی است که برای آن مدنظر قرار گرفته است؛ بنابراین «هدف هم سوخت و انرژی حرکت است و هم نیرویی است که وقتی هدف تحقق یافت، حرکت را در خود فرو برده به سکون مبدل می‌شود.» [۱۰] لذا هر اندازه هدف یک حرکت بزرگ‌تر و عالی‌تر باشد، محرکیت ایجاد شده از جانب آن هدف نیز مستمتر خواهد بود. بر این اساس علت درماندگی ایدئولوژی‌های مطرح جهانی همچون ماتریالیسم تاریخی که بر طبق قوانین دیالکتیک تاریخ تحولات بشری را تفسیر می‌نمود، چیزی نیست جز هدف کوچک و ناآگاهانه‌ای که مارکسیسم برای حرکت تاریخ و خط سیر انسان در نظر می‌گیرد؛ زیرا او معتقد است هدف حرکت تکاملی انسان، آزادسازی ابزار تولید از مناسبات دست‌وپاگیر توزیع و نابودی موانع اجتماعی

زیرا هدف از نظام‌سازی، صرفاً طراحی چارچوبی از چارچوب‌های سازمان‌دهی اجتماعی نیست لذا نمی‌توان به صورت انتزاعی و جدا از واقعیت خارجی عمل نمود مگر آنکه چارچوبی انتخاب شود که امت به‌راستی جذب



آن شود و با آن همراهی نماید. [۱۳]

۲. جایگاه فقه در نظام‌سازی

در جهان کنونی که بشر با بن‌بست‌های نظری مختلفی در عرصه اداره امور بشر روبه‌رو شده است تنها رویه‌رو شدن با وجاهت علمی اسلام است که می‌تواند آن‌ها را از ورطه پوچی و انحراف نجات دهد. شهید صدر معتقد است اسلام به‌مثابه یک آئینه بازتاب‌دهنده شریعت توحیدی برای جهانیان در عرصه اداره امور بشر است. اگر این ظرفیت به‌پویایی لازم نرسد، اسلام به‌عنوان یک شریعت هم‌چنان در طاقچه‌ها باقی می‌ماند و بشر امروزی نیز بر لب پرتگاه است. خود امت اسلام نیز جزئی از این جهان در حال سقوط است و با این سقوط همراهی می‌کند. در این بین باید به دنبال یک نقطه وصل بود تا اسلام را به جهانیان معرفی نموده و آن‌ها را از ظلمات موجود نجات دهد. شهید صدر معتقد است تنها حق اصلی [۱۴] که می‌تواند این مأموریت حیاتی و بزرگ را انجام داده و بشر را به سرمنزل مقصود رهنمون سازد، دانش «فقه» است. مشکلات و قضایای مختلف زندگی بشر در جامعیت فقه و تنقیح احکام و مفاهیم اسلام از طریق این دانش به سامان می‌رسند. در کارنامه حیات این دانش است که می‌توان ثمرات شریعت و قوانین آن را برای بشر ارزیابی نمود لذا هر قدر این معرف فراگیرتر و دقیق‌تر باشد اسلام بازتاب بهتری خواهد داشت.

رشد نیروهای تولید و ابزار تولید است که با از بین بردن مالکیت خصوصی حاصل می‌شود. به همین دلیل با حاصل شدن این هدف کوچک تمام حرکت تاریخ و خط سیر انسان متوقف می‌شود.

بنابراین غایتی که برای پرداختن به نظام‌سازی فقهی و طراحی سازوکارهای استنباط مبتنی بر فقه در راستای انطباق لایه‌های مختلف حیات بشری بر معارف توحیدی بنیان نهاده می‌شود، نباید اهداف کوچک و مادی همچون رسیدن به نظم اجتماعی، صرف عدالت اجتماعی، تولید ثروت، قدرت، اقتدار حکومتی و... باشد؛ بلکه اگر «ذات باری تعالی» هدف اصلی از چنین پردازشی را تعیین کند و مسیر حرکت تکاملی انسان را رهبری نماید؛ تحقق عدالت، توسعه علم، اقتدار و قدرت سیاسی و اجتماعی ابزاری می‌شود برای رسیدن به آن غایت نهایی و لذا انسان مسلمان با این هدف نهایی حتی با دست یافتن به غایات میانی همچون عدالت و قدرت از حرکت باز نمی‌ایستد. زیرا افق‌های گسترده‌تری در پیش روی او گشوده می‌شود. پس هدف اصلی و ایدئولوژیک از نظام‌سازی باید رسیدن به چنین غایت عظمایی باشد. [۱۱]

نکته بسیار مهمی دیگر که در مقوله هدف نظام‌سازی باید بدان اشاره داشت این است که هیچ طراحی نظام و الگوواره‌ای با هدف تحول و رشد بشری بدون حرکت خود بشر امکان‌پذیر نیست. لذا شهید صدر تأکید می‌کند که «چنانچه امت رشد نکند، هیچ روش یا ساختار بی‌روحی نمی‌تواند واقعیت را ذره‌ای دگرگون کند.» [۱۲] این مهم وقتی صورت می‌پذیرد که طراحی نظام‌ها و ساختارها مبتنی بر احساسات امت، روان‌شناسی و ساختار عقیدتی و تاریخی وی باشد؛

فقدان پیشرفت و توسعه کمی بدین جهت است که فقه نتوانسته ابواب و مسائل خود را با تحولات عصری و دگرگونی موضوعات، تغییر و تحول بخشد.

براین اساس بایسته است که
جنبه‌های کمی فقه نیز هم‌تراز
جنبه‌های کیفی آن رشد نماید

تا بتوان تناسب صورت و ظاهر با دین مطابق و هماهنگ
شود. این مهم نیز با تغییرات سطحی و روبنایی در فرآیند
استنباط میسر نخواهد شد «بلکه باید خود ساختار
و ساختمان فقهی را عوض کنیم، باید فرایند تحول
در ساختمان فقه را آغاز کنیم، باید این ساختمان را
گسترش افقی بدهیم. باید انقباض موجود در ابعاد فقه
را از بین ببریم...» [۱۶] تغییراتی که در نهایت بتواند به
کارآمدی و کارایی دانش فقه و بالطبع دین منجر شود.
چنین غایتی نیز محقق نمی‌شود مگر این که دانش فقه
«در سطح نیازهای این جهان باشد، در سطحی باشد
که حل مشکلات این جهان، اقتضای آن را دارد، در
سطح مسائل فراوانی باشد که امروز برای بشر مطرح است
و مکاتب فاسد بشری برای این مسائل، راه‌حل‌هایی
مختلف و متضاد ارائه کرده‌اند».

پی‌نوشت

- [۱]. صدر، محمدباقر (۱۳۹۴) بارقه‌ها، ترجمه سید امید مؤذنی، قم: انتشارات دارالشهید صدر (پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر)، صص ۱۰۳ - ۱۰۶
- [۲]. همان، صص ۱۰۹-۱۱۰
- [۳]. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳) اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما، ترجمه سید مهدی زندیه، قم: انتشارات دارالشهید صدر (پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر)، صص ۴۲۹ - ۴۳۲
- [۴]. بارقه‌ها، صص ۱۱۳-۱۱۵
- [۵]. همان، صص ۲۲۸-۲۳۲
- [۶]. همان، ص ۳۴
- [۷]. همان، ص ۴۰
- [۸]. همان، صص ۲۵۳-۲۶۰
- [۹]. اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما، ص ۱۹۵
- [۱۰]. همان، ص ۱۹۷
- [۱۱]. همان، صص ۱۹۷-۱۹۹
- [۱۲]. همان، صص ۲۱۴
- [۱۳]. همان، صص ۲۱۳-۲۱۴
- [۱۴]. شهید صدر فقه را وصل کننده اسلام و حیات امروزی می‌داند به همین خاطر تعبیر واصل آورده شده است.
- [۱۵]. بارقه‌ها، صص ۴۱۷-۴۱۸
- [۱۶]. همان، ص ۴۱۸

مرحوم شهید صدر معتقد
است در این وظیفه و رسالتی
که فقه بر عهده دارد، از نظر

کیفی پیشرفت داشته است ولیکن از لحاظ کمی به
آزادسازی ظرفیت‌های خود کما هو حقّه نپرداخته
است. پیشرفت کیفی فقه از جهت توسعه روش‌های
استنباط و تعمیق و تدقیق فرآیند استنباط است که این
دانش را در زرف‌نگری مسائل و پرداختن تام به گستره
موضوعات خود در مقابل دیگر دانش‌ها بی‌بدیل نموده
است. لیکن فقدان پیشرفت و توسعه کمی بدین جهت
است که فقه نتوانسته ابواب و مسائل خود را با تحولات
عصری و دگرگونی موضوعات، تغییر و تحول بخشد.
فقه امروز چارچوب مسائل و موضوعات هزار یا صدها
سال پیش را مطلق نظر قرار داده و دانش پژوه مبتدی
خود را نیز در عنفوان فقه‌آموزی با چنین افقی روبه‌رو
می‌سازد. تالی فاسد این پدیده نیز در ارائه راهکارها
و راه‌حل‌های درمانی برای مسائل امروزی بشر است
که افقی فراتر از مسائل قرون گذشته و صاحبان آثار و
تراث اصلی فقهی، بیش نیست.

مسائلی که امروز با پیچیدگی‌ها و آمیختگی‌های عصر
مدرن همراه است، نمی‌تواند به تحلیل‌ها و پاسخ‌های
فقهی با افق هزار سال گذشته روی خوش نشان دهد.
لذا شهید صدر معتقد است:

«پیشرفت در فقه عمودی بوده است، نه افقی، کیفی
بوده است، نه کمی؛ یعنی فقه به شکل عمودی عمق
پیدا کرده، اما در افق گسترشی نداشته است. تا زمانی
که فقه از لحاظ کمی توسعه پیدا نکند و به‌طور افقی
گسترش نیابد، نمی‌تواند دین اسلام را با همه جامعیت
و فراگیری آن به‌طور بوسانند و قادر نیست ویژگی‌ها،
غنا و قدرت و ظرفیت اسلام را برای حل مشکلات
امروز بشر نشان دهد، نمی‌تواند اسلام را در چهره‌ای به
نمایش بگذارد که توجه امت را به خود جلب کند» [۱۵]